

شام غریبان (۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين. السلام عليك يا أبا عبدالله و على الارواح التي حلت بفنائك، عليك مني سلام الله ابدأ ما بقيت و بقي الليل و النهار و لا جعله الله آخر العهد مني لزيارتكم. السلام على الحسين و على علي بن الحسين و على أولاد الحسين و على أصحاب الحسين (عليه السلام).

حالات حضرت سکینه (ع) کنار بدن پدر

در ادامه بحث بخش‌های مرثیه بعد از شهادت امام حسین (ع) آخرین بخشی که تقدیم شد حالاتی بود که اهل بیت (ع) کنار گودال قتلگاه کنار بدن شهدا داشتند. از جمله حالت حضرت سکینه (ع) که عرض کردیم منابع تاریخی مثل لهوف نقل می‌کنند که حضرت سکینه بدن پدر را آن‌گونه به بغل گرفته بودند که گروهی از مردم با خشونت و بی‌رحمی تمام می‌خواستند این دختر را از بدن پدر جدا کنند.

دو نکته راجع به حضرت سکینه به محضر شریف عزیزان عرض کنم؛ یک نکته اینکه حضرت سکینه بر اساس منابع قوی تاریخی سه چهار ساله نبودند، بلکه ایشان نه سال داشتند و تقریباً با حضرت فاطمه بنت الحسین (ع) همسن بودند ولو اینکه گویا فاطمه بنت الحسین (ع) چند وقتی بزرگ‌تر بودند. اما حضرت سکینه (ع) هم تقریباً هم‌سن خواهرشان بودند ولی مادرانشان فرق می‌کرد. مادر حضرت فاطمه بنت الحسین (ع)، «ام‌اسحاق» هستند و ظاهراً مادر حضرت سکینه (ع)، «حضرت رباب (ع)» است و لذا باید این نکته را توجه کرد که ایشان هم آن موقع یک دختر خانمی بودند که به اصطلاح از جهت هیکل و حافظه و استعداد و این‌ها کامل بودند. اینکه بعضی‌ها نقل می‌کنند که ایشان سه چهار ساله بودند علی‌الظاهر درست نیست. نکته دوم اینکه بعضی از مورخین گفتند حضرت سکینه (ع) رفت و بدن پدر را در بغل گرفت، چون حضرت سکینه (ع) از جهت عاطفی خیلی قوی بود. امام حسین (ع) هم خیلی به حضرت سکینه (ع) علاقمند بودند، کما اینکه شواهد تاریخی نشان می‌دهد که سیدالشهدا (ع) فرمودند: «لعمری انی لأحب داراً تحلّ به السکینه و رباب» به جان خودم قسم! من آن خانه‌ای را دوست دارم که در آن خانه رباب و سکینه باشد. با اینکه بین فرزندان ایشان هیچ فرقی نمی‌گذارند اما گویا سکینه (ع) عاطفی‌تر بوده است و لذا وقتی رفت خودش را روی بدن پدر انداخت دیگر از پدر جدا نمی‌شد و این بود که این‌ها می‌خواستند به زور جدا کنند. در تاریخ ذکر شده است که با خشونت این بچه را جدا کردند. با خشونت یعنی اینکه کتکش زدند، کعب نی زدند، تازیانه زدند، کتکش زدند ولو اینکه در تاریخ ثبت نشده باشد، اما بخشی از مطالب نیاز به ثبت تاریخی ندارد. وقتی گفتند با خشونت یک کسی را جدا کردند دیگر یعنی اینکه با ناز و نوازش نبوده است. به این دو نکته باید توجه کرد.

دفن شهدای کربلا

بخش دیگری از مرثیه بعد از شهادت امام حسین علیه السلام دفن شهدای کربلاست. قضیه دفن شهدای کربلا چگونه است.

مرحوم شیخ مفید نقل می‌فرماید: وقتی عمر سعد از کربلا رفت کشته‌های خودش را دفن کرد. یک قومی از بنی‌اسد که در قاذریه ساکن بودند به سوی امام حسین علیه السلام و یارانش آمدند و بر آنان نماز خواندند و پیکر پاک امام علیه السلام را همان جایی که الان قبرش است دفن کردند. فرزندش علی بن الحسین علیه السلام یعنی حضرت علی‌اکبر علیه السلام را پایین پای پدرشان به خاک سپردند. برای شهدای اهل بیت علیهم السلام و اصحاب امام که در اطراف او بودند گودالی را کردند و همه را جمع کردند. اینکه همه را جمع کردند نه اینکه روی هم دفن کرده باشند، یعنی چسبیده به هم دفن کردند. یعنی یک فضای بازی را جدا جدا برایشان قبر زدند اما مشخص نکردند کدام قبر برای چه کسی است. عباس بن علی علیه السلام را در جایی که کشته شده بود (سر راه قاذریه که اکنون قبرش است) دفن کردند. به طوری که بعضی می‌گویند بنی‌اسد بر قبائل عرب افتخار می‌کردند که ما بر حسین علیه السلام نماز خواندیم و او و یارانش را به خاک سپردیم. این یک نکته راجع به دفن شهدای کربلا.^۱

این نکته را که نکته خیلی زیبا و جانسوزی است اضافه می‌کنم. دارد که وقتی بنی‌اسد به کربلا آمدند و می‌خواستند سیدالشهدا علیه السلام را دفن کنند، آثار کبودی و سیاهی بر پشت مبارک عزیز زهرا دیدند. بدن امام حسین علیه السلام قطعه قطعه است اما آثار سیاهی دیدند. از علتش پرسیدند. بعضی گفتند: حسین بن علی علیه السلام شب‌ها بر پشتش طعام برای فقرا می‌گذاشت و به فقرا رسیدگی می‌کرد. از بس هر شب برای فقرای مدینه طعام برده است جای سنگینی زنبیلی که طعام می‌بردند به پشت مبارکش مانده است.^۲

لازم است راجع به دفن امام حسین علیه السلام یک تقسیم‌بندی کلی کنیم تا آن فضا بهتر دست دوستان بیاید. می‌شود قبیله بنی‌اسد را به سه دسته تقسیم کرد. بعضی‌ها گفتند قبیله بنی‌اسد در یک روستایی نزدیک کربلا بوده‌اند، بعضی می‌گویند محله‌ای در جوار کوفه بوده که به قبیله بنی‌اسد معروف بودند. علی‌ای حال هر جایی بوده قبیله بنی‌اسد به سه دسته تقسیم شدند. یک دسته کسانی بودند که در رکاب امام حسین علیه السلام جنگیدند و آمدند حسینی ناب شدند؛ مثل حبیب بن مظاهر اسدی یا مسلم بن اوسجه اسدی. یک دسته آن‌ها کسانی بودند که یزیدی محض شدند و در تاریکی مطلق قرار گرفتند؛ مثل حرملة بن کاهل اسدی لعنه‌الله. دسته سومی بودند که نه در رکاب امام حسین علیه السلام قرار گرفتند، نه در رکاب عمر سعد قرار گرفتند، بلکه تماشاچی بودند. کسانی که ساکت ماندند و گفتند ما کاری به هیچ طرف نداریم، ما فقط نظاره‌گر حادثه کربلا هستیم. بعضی‌ها هم حتی در زمانی که امام حسین علیه السلام قبل از رسیدن به کربلا در مکه مشرف بودند آنجا به محضر امام حسین علیه السلام رسیده بودند. حج هم رفته بودند که حاجی شوند، از جمله عبدالله بن سلیم

^۱ - ارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۱۴.

^۲ - تذکرة الخواص، ابن جوزی، ج ۲، ص ۱۷۰.

اسدی. این دسته سوم ظاهراً آن کسانی هستند که آمدند کربلا و با کمک آن دسته اولی که به اصطلاح شوهرانشان رفتند و کشته شدند در دفن شهدای کربلا کمک کردند. دسته سوم این‌ها بودند که به کربلا آمدند و در واقع به امام سجاد (علیه السلام) در دفن بدن مبارک و نازنین امام حسین (علیه السلام) کمک کردند.

نمونه دیگری که در بحث دفن شهدا باید مطرح شود این است که از برخی خبرها استفاده می‌شود که حین دفن بدن مطهر امام حسین (علیه السلام) بدن مطهر امام (علیه السلام) بر بوری‌ا قرار داده شده است. مرحوم شیخ طوسی می‌فرماید از برخی خبرها استفاده می‌شود. شیخ طوسی برای بیش از ده قرن پیش است، شاید یک سری اخباری دست ایشان بوده که به ما نرسیده است. ایشان می‌فرمایند از بعضی اخبار استفاده می‌شود که حین دفن حضرت، بدن حضرت را بر بوری‌ا گذاشته بودند.^۳ کما اینکه ابراهیم دیزج که در خلافت متوکل مأمور ویران کردن قبر امام حسین (علیه السلام) در کربلا شد، وقتی قبر را نبش کرد موقع نبش قبر بوری‌ای تازه‌ای می‌بیند که بدن مطهر امام (علیه السلام) روی آن قرار گرفته است. همان بوری‌ایی که ظاهراً امام سجاد (علیه السلام) این بوری‌ا را زیر بدن امام حسین (علیه السلام) قرار دادند.

البته اگر ما از اینگونه خبرها هم نداشتیم، اینکه بدن سیدالشهدا (علیه السلام) روی چیزی قرار گرفته است را می‌شود قبول کرد. چرا؟ به جهت اینکه ما شنیدیم ضربات زیادی بر بدن مبارک سیدالشهدا (علیه السلام) وارد شده است، نیزه زدند، سنگ زدند، تیر زدند، هر ضربه‌ای دوست داشتند به تعداد زیاد زدند. مگر از این بدن چیزی سالم می‌ماند که ما بگوییم بدن را امام سجاد (علیه السلام) همین‌طور دفن کرده باشند. اما این خبر شیخ طوسی هم مؤید بر آن است که بدن مبارک سیدالشهدا (علیه السلام) بر یک بوری‌ایی بوده است که با آن بوری‌ا دفن کردند.

نکته آخر در همین بخش اینکه ما روایاتی داریم که امور کفن و دفن و تجهیز بدن مبارک امام معصوم (علیه السلام) فقط باید توسط امام دیگری باشد. امام بعدی متکفل امور ایشان می‌شود. بر این اساس با این اصل کلی امام سجاد (علیه السلام) مأمور دفن پیکر پدر بزرگوارشان هستند. لذا مرحوم مجلسی وقتی این گزارش را ذکر می‌کند از شیخ مفید می‌فرماید: «امام را غیر امام دفن نمی‌کند» مرحوم مجلسی می‌فرماید: اینجا بوده که امام سجاد (علیه السلام) به اعجاز امامت به کربلا آمدند^۴ و بدن مبارک پدر عزیزشان و سایر شهدا را دفن کردند. کما اینکه امام جواد (علیه السلام) به قدرت الهی از مدینه به طوس آمدند و کفن و دفن بدن مبارک پدر عزیزشان امام رضا (علیه السلام) را انجام دادند. فلذا با این اصل می‌توانیم بگوییم امام حسین (علیه السلام) توسط چه کسی دفن شده است. توسط وجود مبارک امام سجاد (علیه السلام) با کمک چه کسانی؟ با کمک قبیله بنی‌اسد که به امام سجاد (علیه السلام) کمک کردند.

انشاءالله این بحث را در جلسات بعد به محضر شریف عزیزان تقدیم خواهیم کرد.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

^۳ - امالی، شیخ طوسی، ص ۳۲۶، حدیث ۶۵۳.

^۴ - امام سجاد (علیه السلام) به اعجاز امامت به کربلا آمدند تا بدن مطهر سیدالشهدا (علیه السلام) را دفن کنند. جایی روایت نداریم که امام سجاد (علیه السلام) چگونه آمدند. اما این یک اصل است که امام را باید امام دفن کند.

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا